

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۳۸)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... آمریکا نیازمند بازبینی سیاست خود در قبال ایران است
- ۴..... انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا ، اوپاما و ایران
- ۸..... تحریم ایران
- ۱۲..... کلید مذاکرات هسته‌ای با ایران، نشان دادن هزینه بلندپروازی به این کشور است
- ۱۴..... اسطوره‌زدایی از برنامه هسته‌ای ایران
- ۱۸..... نگاهی به موضع‌گیری‌های گیتس در قبال ایران
- ۲۰..... یهودیان آمریکا سرسخت نسبت به ایران و شکاک نسبت به اوپاما
- ۲۳..... نماینده آمریکا با نمایندگان کشورهای همسایه ایران، دیدار می‌کند
- ۲۷..... مناظره در مورد حمله به ایران
- ۳۰..... رابطه ایران و پیمان استارت جدید
- ۳۳..... حقیقت‌گویی در مورد قدرت ایران
- ۳۴..... منابع رفتار ایران
- ۴۱..... پیشنهاد مناسب هند درباره ایران
- ۴۴..... شمشیر دولبه ایران
- ۴۶..... ایران، عراق و تغییر چهره همکاری‌های دفاعی در خلیج فارس

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۵۷۶

دفتر: مطالعات سیاسی

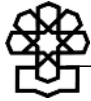
دی‌ماه ۱۳۸۹



ماهنامه کاوش (۳۸)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور، ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۳۸ کاوش، مقالاتی در مورد پرونده هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: آمریکا نیازمند بازبینی سیاست خود در قبال ایران است^۱

نویسنده: دانیل برومبرگ

منبع: United States Institute of Peace^۲

نویسنده با اشاره به مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ معتقد است که مسئولان آمریکا باید به این فکر باشند تا هر چه بیشتر به منافع سفر ژنو بیافزایند. بدین معنا که سیاست خود در مورد ایران را دوباره تنظیم کنند. منظور از تنظیم دوباره، این نیست که از استراتژی اعمال تحریم عقب‌نشینی کنند، بلکه منظور این است که تحریم‌ها به تنهایی نمی‌توانند منجر به همکاری از سوی تهران شوند. بنابراین آنچه اکنون مورد نیاز است، یک سری مشوق‌های اقتصادی، سیاسی و استراتژیک است که دلایل لازم برای همکاری را به جمهوری اسلامی بدهد. به اعتقاد نویسنده در صورتی که مذاکره‌کنندگان آمریکایی، تحریم‌ها را با اهرم مشوق‌ها همراه نکنند، در آینده با دو گزینه نامناسب روبرو خواهند شد: برخورد نظامی یا مهار یک ایران هسته‌ای.

از دیدگاه نویسنده، آمریکا برای اتخاذ یک سیاست موزون جدید همیشه فرصت ندارد، زیرا هم‌اکنون تحریم‌ها موجب تشدید تنش‌ها میان تندرهای محافظه‌کار و رهبران عملگرای مجلس، جامعه تجار و دانشگاهیان ایران شده است و لذا ایالات متحده در شرایط کنونی باید کمک کند تا راه برای صداهایی که در ایران می‌توانند در ایجاد یک مصالحه دوطرفه در زمینه مسائل هسته‌ای گام بردارند، هموار شود. نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که مشوق‌های پیشنهادی آمریکا به ایران مانند دیگر

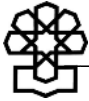
1. Daniel Brumberg, "U.S. Needs to Recalibrate Iran Policy", United States Institute of Peace, 7 November, 2010.

۲. «مؤسسه صلح ایالات متحده»، از مؤسسات بین‌المللی مطالعات استراتژیک و مناسبات بین‌المللی است.



کشورهای امضاکننده پیمان منع گسترش اتمی باید با به رسمیت شناختن حقوق ایران در غنی‌سازی اورانیم آغاز شوند، به شرطی که جمهوری اسلامی نیز خود را به‌طور کامل با پادمان تعیین شده توسط آژانس اتمی وفق دهد. از سوی دیگر رهبران ایالات متحده جدای از مسئله هسته‌ای، باید لیستی از راهکارهای ممکن برای کمک به ایران در بازگشت به جمع کشورهای جامعه بین‌المللی داشته باشند. این راهکارها می‌تواند مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه در مورد مسائل امنیتی را نیز مانند مسائلی از قبیل افغانستان و قاچاق مواد مخدر و مبادلات سالم میان ایالات متحده و دیپلمات‌های ایرانی در کشورهای ثالث و سازمان‌های چندملیتی را شامل شود.

بنابراین، اگر آمریکا تنها به تدابیر اجبارآمیز علیه ایران فکر کند، نباید انتظار پیشرفتی در تعامل با ایران داشته باشد. در این زمینه حتی اتخاذ گزینه نظامی علیه ایران نیز این ایده را در میان رهبران ایران تقویت خواهد کرد که ایران به جنگ‌افزارهای هسته‌ای نیاز دارد تا از کشورش حمایت کند. نویسنده معتقد است این تدابیر باید همزمان با ادامه و تقویت همکاری استراتژیک و نظامی آمریکا با اسرائیل و دولت‌های عرب اجرا شوند. بالا بردن توان منطقه‌ای برای رویارویی با حمله ایران به سایر کشورها - به‌ویژه اگر تلاش برای گفتگو با ایران به نتیجه نرسد بسیار ضروری است - ولی ما نباید به جنگ یا خطرات مهار ناقص برنامه هسته‌ای ایران تن در دهیم. سرعت برنامه هسته‌ای ایران بسیار آهسته‌تر از آنچه بیم جامعه بین‌المللی را برانگیخته، می‌باشد. اکنون وقت آن رسیده که به راه جدیدی برای تعامل استراتژیک با ایران متوسل شویم.



عنوان: انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، اوباما و ایران^۱

نویسنده: جورج فریدمن

منبع: Stratfor^۲

نویسنده با اشاره به مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ تأکید می‌کند که آمریکایی‌ها معتقدند که انتظار چندانی از این نخستین دیدار با ایران، آن هم پس از چند ماه تعلیق گفتگوها نمی‌توان داشت. این در شرایطی است که انتخابات میان‌دوره‌ای در ایالات متحده - همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد - به ضرر جمهوریخواهان تمام شده و اکنون بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند که آقای رئیس‌جمهور برای جبران این شکست در داخل آمریکا، باید دو سال آینده را صرف سرمایه‌گذاری در خارج از مرزهایش کند. در این میان موضوع ایران و پرونده هسته‌ای این کشور، این پتانسیل را دارد که تبدیل به بهترین اهرم برای بازی باراک اوباما شود.

نویسنده در ادامه می‌نویسد: هیچ تضمین و نشانه‌ای وجود ندارد که باراک اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا گزینه نظامی علیه ایران را برای برون‌رفت پرونده هسته‌ای ایران از بحران کنار گذاشته باشد. با این حال، اوباما و دستگاه دیپلماسی‌اش به خوبی می‌دانند که توسل به گزینه نظامی در برابر ایران می‌تواند تبعات منفی گسترده‌ای را به همراه داشته باشد که بسیار خطرناک‌تر از ایران هسته‌ای خواهد بود. بنابراین اکنون پرسش دستگاه دیپلماسی ایالات متحده این است که آیا ما باید در صورت ادامه این روند در ایران و عدم کنار آمدن ایرانی‌ها با غرب، به گزینه نظامی به

1. George Friedman , "U.S. Midterm Elections, Obama and Iran", Stratfor, 26 October, 2010.

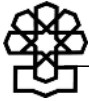
۲. «استراتفور» از مراکز تحقیقاتی و تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



شکل عملی تر فکر کنیم؟ دنیس راس - که باراک اوباما وی را در نخستین ماه‌های حضور در قدرت، مسئول پرونده ایران کرد - اعتقاد دارد که ایرانی‌ها با جدی شدن تهدید گزینه نظامی، بر سر میز مذاکرات حاضر خواهند شد. البته غربی‌ها و در رأس آنها آمریکا به خوبی می‌داند که هیچ توجیه قانونی برای حمله نظامی به ایران وجود ندارد، زیرا در تمامی قطعنامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت، کارشناسان موجود، متن قطعنامه را به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که بهانه‌ای به دست باراک اوباما - مانند جورج بوش در سال ۲۰۰۳ میلادی - داده نشود. بوش در آن زمان ادعا کرد که عراق، تسلیحات کشتار جمعی در اختیار دارد و با همین بهانه به این کشور حمله کرد. این مسئله سبب شده که بسیاری از کشورهای از کشورهایایی که از اعمال تحریم‌ها علیه ایران حمایت می‌کنند در شرایطی که سخن از گزینه نظامی به میان بیاید، پای خود را عقب بکشند، بنابراین غرب می‌داند که تهدید ایران به حمله نظامی، می‌تواند تمامی نتایج مثبت احتمالی در تحریم را زیر سؤال ببرد.

با وجود این، شکست دمکرات‌ها در انتخابات کنگره برای ایالات متحده بسیار گران تمام شد، زیرا حتی در شرایطی که اوباما به درخواست تندروهای آمریکایی برای تحت فشار قرار دادن ایران با گزینه نظامی هم جامه عمل نپوشاند، اما از این به بعد، بحث ایران در کنگره‌ای مطرح خواهد شد که در اختیار جمهوریخواهان است.

در این شرایط، بسیاری از رسانه‌ها و حتی مقام‌های غربی ادعا می‌کنند که موافقت ایران با مذاکره درخصوص پرونده هسته‌ای - چه در ژنو باشد و چه در وین - نشان می‌دهد که تهران تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته است. این طیف اعتقاد دارند که ایرانی‌ها اعتراف نمی‌کنند، اما تأثیر تحریم‌ها بر این کشور ناچیز هم نبوده است.

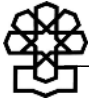


البته بر هیچ‌کس هم پوشیده نیست که ایرانی‌ها در همسایگی خود و در منطقه آسیا و آمریکای لاتین هم دوستان و شرکای تجاری بسیاری دارند. در چنین شرایطی ایران هرگز جامه ضعف به تن نمی‌کند تا بر سر میز مذاکرات با غرب، تمام داشته‌های خود را به حراج بگذارد.

ایرانی‌ها تاکنون بارها تأکید کرده‌اند که همان‌گونه که با برنامه هسته‌ای این کشور برخورد می‌شود باید با تسلیحات هسته‌ای اسرائیل هم برخورد شود. این رویکرد نشان می‌دهد که ایرانی‌ها به خوبی متوجه استانداردهای دوگانه در غرب شده‌اند. با وجود این، آمریکا در تعامل با پرونده هسته‌ای ایران نمی‌خواهد از موضع ضعف حاضر شود. بنابراین، طرحی که آمریکایی‌ها برای ارائه به ایران مهیا کرده‌اند در حقیقت تبادل اورانیم بیشتری را میان غرب و تهران طلب می‌کند. اروپایی‌ها ادعا می‌کنند که ایران از یک سال پیش تاکنون ۵۰ درصد بر حجم اورانیم ذخیره شده خود افزوده است. لذا آنان با قرارداد ایران با ترکیه و برزیل مخالفت کردند، زیرا از نظر آنان سال گذشته میلادی که ترکیه با ایران قرارداد تبادل سوخت را امضا کرد میزان اورانیمی که ایران مکلف به تحویل دادن به غرب بود بسیار کمتر از رقم پیشنهادی امسال اروپایی‌ها بوده درواقع، غربی‌ها به دنبال این هستند که اورانیم ذخیره شده در ایران را کاهش دهند و از این طریق، احتمال دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای را به صفر برسانند. توقف غنی‌سازی اورانیم در ایران هم از دیگر مطالبات غرب است. ایران پس از مصالحه با ترکیه برای تبادل سوخت، غنی‌سازی اورانیم را متوقف کرده بود و پس از تصویب چهارمین قطعنامه علیه خود در شورای امنیت به صراحت روند غنی‌سازی اورانیم را آغاز کرد. در این شرایط، در غرب هنوز همگان نمی‌دانند که



می‌توانند بر سر غنی‌سازی سه‌ونیم درصدی اورانیم در ایران به تهران چراغ سبز نشان دهند یا خیر؟ در واقع اگرچه ایران که عضویت ان پی تی را در پرونده خود دارد، مجاز به غنی‌سازی اورانیم تا این اندازه است. اما به نظر نمی‌رسد که غرب و ایالات متحده تمایلی داشته باشند که ایران را از حقوق خود در حوزه ان پی تی هم بهره‌مند سازند. این نگرانی که غرب با کشورهایمانند روسیه و چین بر سر تفاهم یا تضاد با ایران اختلاف دارد در شرایطی در خور توجه بود که امیدی به صلح در این دور از مذاکرات به چشم می‌خورد، اما حقیقت این است که هم ایرانی‌ها و هم غربی‌ها چندان امیدی به این مذاکرات ندارند. واشنگتن می‌خواهد در این مذاکرات به ایرانی‌ها بفهماند که در شرایطی که با ما مصالحه نکنید هزینه آن را پرداخت خواهید کرد و ایران هم می‌آید تا نشان دهد که قرار نیست به این سادگی عقب بنشیند.



عنوان: تحریم ایران^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: American Enterprise Institute^۲

برنامه هسته‌ای ایران سبب شده است که ایران امروز به‌عنوان کشوری که بیشترین تحریم‌ها علیه آن اعمال شده در جهان مطرح شود. این مسئله از زمانی آغاز شده است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۰۵ پرونده هسته‌ای ایران را به دلیل عدم پایبندی به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به شورای امنیت ارسال کرد و این شورا، چهار دور تحریم تنبیهی در برابر ایران به تصویب رساند که تازه‌ترین آنها در ماه ژوئن تصویب شد. با وجود این، شواهد موجود نشان می‌دهد که ایران با شیوه‌های مقابله با این تحریم‌ها آشناست و به ازای هریک از شرکت‌های ردیف اول سپاه یا هر بانکی که از سوی جامعه بین‌الملل تحریم می‌شود، دولت ایران به سادگی شرکت دیگری جایگزین می‌کند و بانک دیگری می‌گشاید. در این شرایط، واقعیت این است که کوشش برای جلب همراهی بین‌المللی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اثر تلاش‌های سازمان ملل متحد را کم‌رنگ کرده و همان تحریم‌هایی که به وعده وزیر امور خارجه آمریکا، هیلاری کلینتون قرار بود تحریم‌هایی سخت «فلج کننده» باشند را ناکام ساخته است.

این وضعیت نشان می‌دهد که تحریم‌های یک‌جانبه به مراتب تأثیرگذارتر از

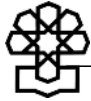
1. Michael Rubin, "Sanctioning Iran", American Enterprise Institute, 8 November, 2010.

۲ مؤسسه «اینترپرایز» یکی از مهمترین مؤسسات پژوهشی است که رویکرد نزدیکی به نئومحافظه‌کاران آمریکا دارد.



تحریم‌های چندجانبه عمل کرده‌اند. در واقع، در حالی که کاخ سفید و وزارت امور خارجه بر این باورند که تحریم برای مشروعیت بین‌المللی باید به تصویب سازمان ملل متحد برسد، کنگره به‌طور سنتی در برابر کشورهای مخالف اعلام اتهام کرده و در اعمال تحریم‌ها همواره موفق‌تر بوده است. چنانچه، این کنگره بود که قانون تحریم ایران و لیبی را با وجود نگرانی‌های رئیس‌جمهور که گمان می‌کرد چنین تحریم‌هایی می‌تواند مانع دیپلماسی باشد در سال ۱۹۹۶ به تصویب رساند. این مسئله نشان می‌دهد که تحریم‌های اعمال شده توسط کنگره قدرتمندتر هستند، زیرا بر نقاط آسیب‌پذیر چنین حکومت‌هایی تکیه می‌کنند و از آنها بهره می‌برند. مثلاً تحریم فراگیر ایران، مصوب ژوئن ۲۰۰۹ کنگره، بر روی بنزین وارداتی ایران انگشت می‌گذارد و آن را هدف می‌گیرد، موردی که اقتصاد ایران به‌طور کامل به آن وابسته است.

در این شرایط، رهبران ایران همواره تأکید دارند که تحریم‌ها بی‌معنا و بی‌اثراند چنانچه که محمود احمدی‌نژاد حتی تأکید می‌کند که تحریم باعث شکوفایی اقتصاد ایران می‌شود و عزم و اراده مردم ایران را تقویت می‌کند، اما منتقدان داخلی آن را به‌گونه‌ای دیگر می‌بینند و معتقدند تحریم‌ها بر ایران تأثیر گذاشته است. در این میان به‌نظر می‌رسد به ویژه تحریم بنزین نیرومند عمل می‌کند چنانچه گروه شرکت‌های ژاپنی «نامورا» برآورد کرده است که تحریم‌ها ممکن است صادرات نفت ایران را تا ۲۵ درصد کاهش دهد. این در حالی است که ژاپن و کره جنوبی نیز تحریم‌های یک‌جانبه خود را به تحریم‌های ایالات متحده و اروپا افزوده‌اند. بنابراین اقتصاد ایران پس از چندین دهه سوءمدیریت، گزش تحریم را درک می‌کند. این مسئله به‌گونه‌ای است که براساس برآوردی نرخ بیکاری ۲۵ درصد یا تقریباً سه برابر بیشتر از آمار



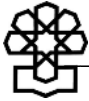
رسمی دولت است و برخی از نخبگان ایران نیز باور ندارند که دولت مطابق ادعایش توانسته باشد تورم را به عددی تکریمی کاهش دهد. مخالفان سیاسی رئیس‌جمهور ایران معتقدند که تحریم‌ها، بیشتر اعتبار نظام را تحلیل برده‌اند. برخی از آنان تأکید دارند که باید با کشورهای غربی گفتگو می‌کردیم و تا جایی که امکان داشت از فضای مذاکرات برای وارد کردن فناوری‌های مورد نیاز بهره می‌بردیم.

در این میان، اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران با گسترده‌تر شدن دامنه آن به سایر کشورها به‌ویژه همسایگان ایران، ملموس‌تر شده است چنانچه در خلال ۲۷ سپتامبر تا ۱۱ اکتبر امسال، واحد پول ایران در برابر دلار بیش از ۲۰ درصد کاهش ارزش داشت. این مسئله از دیدگاه برخی از اقتصاددانان به‌دلیل مشارکت امارات در دور جدید تحریم‌ها علیه ایران بوده است. در واقع، امارات متحده عربی که تاکنون در طول تاریخ چند دهه حیات سیاسی خود همواره یاور ایران برای گریز از تحریم بوده است، اکنون خود در تحریم ایران شرکت کرده است. بنابراین واردکنندگان ایرانی به‌خاطر عدم اطمینان مالی، فعالیت‌های خود را متوقف کرده‌اند. از دیگر نشانه‌های تأثیر تحریم می‌توان به مواردی چون مشکلات به‌وجود آمده برای سیستم هوایی و مسافرت بین‌المللی ایران اشاره کرد که فرودگاه‌های اروپا و حتی کویت از سوخت‌گیری هواپیماهای مسافربری ایران جلوگیری می‌کنند. تحریم‌ها شاید حتی بر روند برنامه اتمی نیز تأثیر بگذارد و به گفته رئیس سازمان انرژی اتمی ایران «ممکن است سرعت کار را کم کنند».

مجموعه این شرایط نشان می‌دهد که تحریم تأثیر خود را اثبات کرده است و در حال حاضر هیچ دلیلی برای عجله در رویارویی با حکومت ایران، نیست. بدیهی است



راه حل دیپلماتیک برای بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران ایدئال است، اما اشتباه در این شرایط می‌تواند به درگیری سرعت ببخشد. در برابر افت اقتصاد ایران، بدترین حرکت دولت او باما ارائه پیشنهادها و مشوق‌هایی است که از فشار بر تهران بکاهد. بنابراین برای کاهش سرعت پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، مشروعیت‌زدایی از نظام در برابر مردم و همچنین برای اجتناب از درگیری، بهترین راه تقویت تحریم‌ها و نه کاهش تأثیر آنهاست.



عنوان: کلید مذاکرات هسته‌ای با ایران، نشان دادن هزینه بلندپروازی به این کشور است^۱

نویسنده: جرال د سیب

منبع: WallStreet Journal^۲

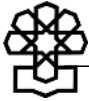
نویسنده معتقد است هدف اصلی آمریکا و متحدانش در حال حاضر باید این باشد که ایران را به اتخاذ یک تصمیم دشوار مجبور کنند. هرچند هنوز برای پیشگیری از احتمال تولید سلاح هسته‌ای در ایران راه طولانی در پیش است، ولی به نسبت یک سال پیش، نشانه‌های بهتری از پیشرفت در حل این بحران دیده می‌شود. نویسنده با اشاره به برگزاری دور جدیدی از مذاکرات بین ایران و گروه ۵+۱ می‌نویسد مسلماً هدف آمریکا و متحدانش خارج ساختن ایران از مسیر توسعه برنامه‌های هسته‌ای است. در مقابل ایران می‌گوید از برنامه‌های هسته‌ای که هدف نظامی ندارد دست برنخواهد داشت، ولی علاقمند است که در مورد خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل گفتگو کند. این نشان می‌دهد که شکاف بین دو طرف تا چه حد عمیق است. با این همه، یکی از مشاوران ارشد محمود احمدی‌نژاد، تأکید کرد که دولت آن کشور هنوز آماده است تا طرح پیشنهادی آمریکا برای معاوضه اورانیم غنی‌شده ایران با سوخت هسته‌ای آماده برای رآکتور اتمی آن کشور را به بحث بگذارد. بنابراین شاید انجام مذاکرات چندان هم بی‌فایده نباشد. نویسنده می‌افزاید که کسی به حل بحران هسته‌ای از طریق یک دور مذاکره امید ندارد، ولی یک مقام ارشد دولت آمریکا می‌گوید که هدف از این گفتگوها «دادن یک امکان دیگر به ایران برای یافتن راهی جهت خروج از بحران

1. GERALD F. SEIB, "Key to Talks Is to Show Iran the Cost of Nuclear Ambition", Wall Street Journal, 26 November, 2010.

۲. «وال استریت ژورنال» از روزنامه‌های پرشمارگان آمریکایی است.



هسته‌ای است». شاید بهترین چیزی که آمریکا می‌تواند انتظار داشته باشد این است که از یک طرف، سرعت پیشرفت برنامه‌های هسته‌ای ایران را کاهش داده و از طرف دیگر به آن کشور نشان دهد که ادامه این فعالیت‌ها، هزینه بسیار گزافی در برخواهد داشت. نویسنده با اشاره به گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌نویسد که طی ماه جاری فعالیت غنی‌سازی در ایران به‌خاطر مشکلات فنی دچار توقف شده است. بعید نیست که بخشی از این مشکلات فنی ناشی از هجوم کرم رایانه‌ای استاکس نت به سیستم کنترل مراکز هسته‌ای ایران باشد. به احتمال زیاد این کار مراکز وابسته به دولت‌هایی است که از هر وسیله‌ای برای خرابکاری در فعالیت هسته‌ای ایران استفاده می‌کنند. این اختلال‌ها فرصت بیشتری فراهم خواهد کرد تا تحریم‌های اقتصادی، هزینه‌های ناشی از ادامه فعالیت هسته‌ای در ایران را افزایش دهند. تمامی این عوامل، مقامات دولت آمریکا را به این نتیجه‌گیری رسانده که حداقل ایران دارد به هزینه گزاف ناشی از ادامه غنی‌سازی در آن کشور پی می‌برد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که یکی از اهداف دور آتی مذاکرات غرب با ایران، یادآوری این نکته به دولت ایران است که در صورت تغییر استراتژی هسته‌ای، راهی برای خروج از این بحران به روی او بازخواهد بود، اما شانس موفقیت تا چه حدی است؟ هیچ‌کس برای این سؤال پاسخ دقیقی ندارد. مذاکرات بعید است که اختلاف آمریکا و غرب با ایران را حل کند، ولی کمک خواهد کرد تا تنش با ایران تا حدی کنترل شده و از تشدید آن جلوگیری شود. در این بازی که به بحران هسته‌ای ایران معروف شده است خریدن زمان برای حل معضل و کنترل بحران، خود نوعی پیشرفت محسوب می‌شود.



عنوان: اسطوره‌زدایی از برنامه هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: ایوانکا برزاشکا

منبع: Bulletin of the Atomic Scientists^۲

پس از یک بن‌بست یک‌ساله، مذاکرات هسته‌ای با ایران آغاز شده است. گرچه تهران برای تأمین سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران و رآکتور بوشهر، همکاری را ترجیح داده است، اما از مذاکرات مربوط به دیگر فعالیت‌های هسته‌ای، به‌خصوص برنامه بحث برانگیز غنی‌سازی اورانیم خود، سر باز می‌زند. با این حال، ایران و آمریکا تأکید دارند که اگرچه اختلاف‌ها باقی است، اما گزینه مبادله سوخت، همچنان بر روی میز هست. ایران اصرار دارد که بیانیه مشترک می ۲۰۱۰ به همراه ترکیه و برزیل، که شباهت بسیار به پیشنهاد گروه وین در اکتبر ۲۰۰۹ دارد، باب جدیدی برای مذاکرات باز کرده است. در همین حال آمریکا خواهان آن است که شرایط بسته پیشنهادی اصلی را مورد بازبینی قرار دهد. رسیدن به یک توافق، منوط به انتظارات واقع‌بینانه دو طرف است. بعضی از اهداف پیشنهاد اکتبر ۲۰۰۹ همچنان پابرجاست، مثلاً مخالفت با مبنای و استدلال ایران برای غنی‌سازی در داخل، که همچنان معتبر است، اما بعضی، نظیر نگهداشتن اورانیم ایران در سطحی که برای تولید بمب کافی نباشد، امروز تحت بهترین شرایط هم قابل دسترسی نیست. وجود شرایط جدید نباید به تغییر مطالبات تعبیر شود. سوءتعبیرهایی درباب مبادله سوخت وجود دارد و بسیار حائز اهمیت است که بفهمیم مبادله سوخت چه حاصلی می‌تواند در پی داشته باشد، چه نمی‌تواند و چه چیز را باید به‌دست بیاورد.

1. Ivanka Barzashka, "Iran and the West: Next Steps", Bulletin of the Atomic Scientists, 2 November, 2010.

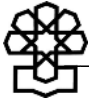
۲. «بولتن دانشمندان اتمی» از مجلات معتبر در حوزه مسائل هسته‌ای است.



جامعه بین‌المللی مخالفتی با فروش سوخت به ایران برای رآکتور تحقیقاتی تهران ندارد، زیرا این سوختی که ایران ۴۰ سال قبل و تحت عنوان برنامه اتم برای صلح آیزنهاور خریداری کرده است. لذا اگرچه بعضی از ابعاد برنامه هسته‌ای ایران ممکن است نگرانی‌های امنیتی مختلف به‌دنبال داشته باشد، اما تأمین سوخت رآکتور تحقیقاتی ایران مطمئناً در زمره این نگرانی‌ها نیست. ایران به‌عنوان یکی از امضاکنندگان ان پی تی دارای حق توسعه انرژی هسته‌ای صلح آمیز و خریداری سوخت است. از آنجا که اورانیم به راحتی و با امنیت و اطمینان بالا قابل خریداری است، غرب استدلال می‌کند که ایران نیازی به گسترش ظرفیت‌های چرخه سوخت - که بالقوه می‌تواند در دو راستا به کار رود - ندارد.

قرارداد اکتبر ۲۰۰۹ - گرچه از طرف آمریکا و متحدانش به‌عنوان پیشنهاد نهایی مطرح شد - اما تنها راه قانونی ایران برای خرید سوخت نبود انتقال یک تن از اورانیم با غلظت پایین به ترکیه برای انبارگیری، فرستادن آن از ترکیه به روسیه برای غنی‌سازی تا ۲۰ درصد، انتقال اورانیم ۲۰ درصد به فرانسه برای تبدیل به اکسید اورانیم و تولید میله سوختی و سپس بازگرداندن سوخت به ایران از طریق ترکیه را به سختی می‌توان تجارت به معنای متداول آن نامید. موافقت با مبادله برای تهران اعطای امتیاز بود، که با حجم وسیعی از مخالفت داخلی از سوی تندروها روبرو شد.

ایران در سازمان ملل، به‌خاطر رد پیشنهاد گروه وین تحریم نشد. هیچ ایجاب و اجباری برای معامله سوخت وجود نداشت. تهران تنبیه شد، زیرا از همکاری فعالانه با جامعه جهانی بر سر برنامه هسته‌ای خود سر باز زده است. این کشور راه حل‌های متعدد شورای امنیت برای توقف غنی‌سازی اورانیم را نپذیرفته و ادعاهای عموماً



ثابت آژانس در زمینه تحقیق در مورد تسلیحات هسته‌ای را بی‌پاسخ گذاشته است. یکی از نگرانی‌های غرب در مورد برنامه هسته‌ای ایران، روند رو به رشد ذخیره اورانیم با غلظت پایین ایران است که طبق گزارش آژانس از اکتبر ۲۰۰۹ تا به حال، نزدیک به ۱۴۰۰ کیلوگرم افزایش یافته است. این مسئله، محاسبات اولیه درباره کاهش تهدید ایران را تغییر می‌دهد.

اصرار بر مبادله‌ای که ایران را زیر حد آستانه توانمندی هسته‌ای قرار دهد تنها درون دوسناریوی نامحتمل زیر معنادار است: سناریوی اول اینکه در مدت کوتاهی که ایران برای نوسازی ذخایر خود نیاز دارد، تشویق به توقف غنی‌سازی شود و سناریوی دوم اینکه در آن مدت زمان، ایران با شتاب به سمت ساخت بمب حرکت کند، که در این صورت خریدن زمان برای آمریکا مزیت استراتژیک مهمی به حساب می‌آید. هدف اصلی قرارداد، نه استراتژیک، بلکه سیاسی برای کم کردن بی‌اعتمادی و زمینه‌سازی برای مذاکرات بود. گرچه بن‌بست کنونی جنبه اعتمادسازی را از میان برد، اما بعضی از منافع را هنوز می‌توان زنده کرد.

تأخیر، سطح جدیدی برای مذاکرات ایجاد کرده است: ذخایر رو به رشد اورانیم ۲۰ درصد ایران و به همراه آن، ضرورت توقف غنی‌سازی با درجه بالا از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر ایران سوخت را از خارج تهیه کند، دلیلی نیست که بخواهد به این فعالیت‌ها روی آورد. چشم‌انداز مذاکرات برای تعلیق غنی‌سازی اورانیم با درجه بالا، امیدوارکننده است. در ماه آگوست احمدی‌نژاد گفت قول می‌دهد که در صورت تأمین ضمانت شده سوخت، غنی‌سازی ۲۰ درصدی را متوقف کند.

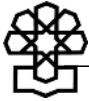
قرارداد جدید سوخت می‌تواند از ایران درخواست کند حدود ۱۰۰۰ کیلوگرم از



اورانیم با غلظت پایین و تمامی ذخیره اورانیم ۲۰ درصد خود، - یا فعلاً ۳۰ کیلوگرم از آن معادل ۲۰۰ کیلوگرم اورانیم با غلظت پایین - را از کشور خارج کند. نتیجتاً دو جنبه مهم قرارداد، یعنی کاهش تهدید و اعتمادسازی حفظ خواهد شد.

این قرارداد هنوز ارزش پیگیری دارد. نفروختن سوخت به ایران تنها به تقویت موضع ایران برای ادامه غنی‌سازی منجر خواهد شد. از طرف دیگر رفتن به سمت مبادله سوخت، بار دیگر موضع آمریکا را در مورد وجود ضمانت معتبر برای تأمین سوخت ایران تقویت و منطق ایران برای ادامه غنی‌سازی را تضعیف خواهد کرد. انفعال، برای ایران به منزله چک سفید امضا است. آن هنگام که ایران تولید سوخت را آغاز کند، خرید سوخت از خارج دیگر گزینه جذاب و دلخواهی نیست و لغو برنامه غنی‌سازی ۲۰ درصدی بسیار سخت خواهد شد.

متأسفانه، آنقدر بی‌اعتمادی وجود دارد که حتی اگر قرارداد در ابتدا موفق شود، به سختی می‌توان گفت که نشانه‌ای برای ضمانت‌های معتبر تأمین سوخت ایران است، یعنی همان کلید اعتمادسازی برای ایران که قرارداد اکتبر ۲۰۰۹ در پی ایجاد آن بود. شرایط پیچیده پیرامون پیشنهاد مبادله سوخت کنونی شاید نتواند به همان طریق یک سال پیش پیش گواه وجود ضمانت‌های معتبر برای تأمین سوخت باشد اما به هر حال آغاز راه است. رآکتور بوشهر که به دست روسیه ساخته شده است و انتظار می‌رود به زودی آغاز به کار کند همچنین تقویت‌کننده آن هدف است. درحالی که تأثیر تحریم‌ها و امکان حمله نظامی در کوتاه مدت غیر محتمل است، آمریکا می‌باید بر روی تعامل کار کند. بنابراین درحال حاضر یک قرارداد موفق سوختی، راهی به سوی راه‌حل بلندمدت دیپلماتیک است.



عنوان: نگاهی به موضع‌گیری‌های گیتس در قبال ایران^۱
منبع: WashingtonPost^۲

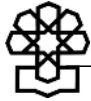
با نگاهی به موضع‌گیری‌های رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا در قبال ایران کاملاً آشکار است که پنتاگون با مخالفت خود با گزینه نظامی علیه ایران، عملاً اعمال فشار بر ایران برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور را تضعیف کرده است. درواقع اگرچه بخشی از سیاست عمومی دولت باراک اوباما در قبال ایران این بوده که «تمام گزینه‌ها در نظر گرفته شود» و این به آن معناست که رئیس‌جمهور آمریکا در صورت لزوم برای متوقف کردن فعالیت هسته‌ای ایران، گزینه نظامی را هم در نظر خواهد گرفت، اما رویه متفاوتی از سوی وزیر دفاع مشاهده می‌شود این درحالی است که نه تنها اوباما، بلکه جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز همزمان بر همه گزینه‌ها تأکید کرده‌اند و اکثر سیاستگذاران آمریکایی بر این نکته توافق دارند که برای تضمین موفقیت اعمال فشار بر ایران، تکیه بر قوه قهریه باید یکی از عناصر مهم این سیاست باشد. براین اساس، نویسنده این مقاله، این سؤال را مطرح می‌کند که چرا رابرت گیتس این پیام ضروری را تضعیف می‌کند؟ رابرت گیتس در طول ماه گذشته دو بار در موضع‌گیری‌های علنی خود با گزینه نظامی علیه ایران مخالفت کرده است. رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا در رد سخنان نتانیاهو گفت: «من با این نکته مخالفم که فقط یک تهدید نظامی جدی می‌تواند برنامه‌های هسته‌ای ایران را متوقف کند. ما برای انجام هر آنچه که لازم باشد آمادگی داریم، ولی درحال حاضر، روش سیاسی و فشارهای اقتصادی

1. "Mr. Gates on Iran", WashingtonPost, 19 November, 2010.

۲. «واشنگتن پست» یکی از مهمترین نشریات معتبر آمریکایی است.



که ما در پیش گرفته‌ایم بسیار تأثیرگذار بوده‌اند». از سوی دیگر رابرت گیتس در مصاحبه با وال استریت گفت: «ایران از میزان تأثیر تحریم‌های بین‌المللی غافلگیر شده است». او استدلال کرد که اقدام نظامی علیه ایران، «یک جامعه دچار اختلاف را دوباره متحد خواهد کرد و ملت و حکومت ایران را در مسیر تولید سلاح هسته‌ای مصمم‌تر خواهد کرد. به این خاطر من معتقدم که در حال حاضر فشارها اقتصادی، بهترین راه تداوم فشار بر حکومت ایران است». نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که وی نیز با این نکته موافق است که دولت آمریکا در حال حاضر باید روی راهکارهای غیرنظامی مثل تشدید تحریم‌های اقتصادی و حمایت از اپوزیسیون ایرانی تمرکز کند. اما این استراتژی به آن معنا نیست که رهبران آمریکا در موضع‌گیری‌های علنی خود، گزینه و یا تهدید نظامی را کنار بگذارند. پیش‌بینی رابرت گیتس در مورد نحوه واکنش و مقابله ایرانیان با حمله نظامی بیشتر حدس و گمان است. در مورد تأثیر تحریم‌های اقتصادی نیز باید گفت که با وجود اجرای این تحریم‌ها از چند ماه پیش، هنوز هیچ نشانه‌ای از تمایل جدی ایران به مذاکرات واقعی در مورد غنی‌سازی اورانیم دیده نمی‌شود. در بخش پایانی این مقاله، نویسنده می‌نویسد که وزارت دفاع آمریکا به ریاست رابرت گیتس یکی از مراکز اصلی مخالفت با گزینه نظامی در قبال ایران بوده است. با در نظر گرفتن هزینه‌های گزاف یک چنین عملیاتی و نتایج و پیامدهای مبهم آن، نگرانی و تردیدهای وزارت دفاع آمریکا قابل درک است. اما نباید با فرستادن چنین پیام‌هایی به ایران، گزینه‌های آمریکا را محدود کرد.



عنوان: یهودیان آمریکا سرسخت نسبت به ایران و شکاک نسبت به اوباما^۱

نویسنده: جیم لوب

منبع: Interpress Service^۲

طبق آماري که توسط کمیته یهودیان آمریکا اعلام شد، یهودیان آمریکا که در کنار آفریقایی - آمریکایی‌ها از اقلیت‌هایی بودند که بیش از همه در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا از باراک اوباما حمایت کردند، اما آنان روز به روز نسبت به عملکرد اوباما مرددتر و نسبت به ایران خشن‌تر می‌شوند. طبق بررسی که در مورد ۸۰۰ یهودی آمریکایی انجام شد، این نتیجه نیز به دست آمد که مقدار قابل توجهی از اعتماد آنان نسبت به چگونگی اداره کردن روابط اسرائیل و آمریکا در مقایسه با هشت ماه پیش که چنین رأی‌گیری انجام شد، کم شده است. این آمارگیری، آخرین آمارگیری است که بیش از یک دهه است توسط کنگره یهودیان آمریکا انجام می‌شود. در حالی که ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان در ماه مارس نحوه اداره کردن روابط اسرائیل و آمریکا توسط دولت اوباما را تأیید می‌کردند و فقط ۳۹ درصد با آن موافق نبودند، در آخرین آمارگیری فقط ۴۹ درصد آن را تأیید کردند و ۴۵ درصد آن را تأیید نکردند.

حمایت از حمله نظامی آمریکا به ایران برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی در شرایطی که دیپلماسی و تحریم‌ها شکست بخورد از ماه مارس از ۵۳ درصد به ۵۹ درصد افزایش پیدا کرده است، در حالی که مخالفت با چنین اقدامی از ۴۲ درصد به ۳۵ درصد در همان زمان، نزول کرده است. در بررسی‌های سال ۲۰۰۸، کمیته

1. Jim Lobe, "Us Jews Increasingly Hawkish on Iran, Skeptical of Obama, Interpress Service, 14 October, 2010.

۲. از مراکز پژوهشی در حوزه مسائل سیاست بین‌الملل در آمریکا است.

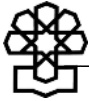


یهودیان آمریکا متوجه شد که ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان، مخالف حمله و ۴۷ درصد آنان، از حمله به ایران حمایت کرده بودند.

استفن والت، کارشناس روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد و یکی از نویسندگان کتاب جنجالی «لابی اسرائیل» در سال ۲۰۰۷، می‌گوید: «من گمان نمی‌کنم که این نتیجه غافلگیرکننده باشد، به‌خصوص با این سر و صدایی که در مورد اسلام‌هراسی که در رسانه‌های آمریکا به‌راه افتاده است و تکرار اینکه ایران یک تهدید است توسط سیاستمداران اسرائیلی و طرفدارانشان در آمریکا و شکست‌های پی در پی دولت اوباما در توضیح دادن اینکه در خاورمیانه چه خط‌مشی را دنبال می‌کند این نتیجه تعجبی ندارد». در این بررسی گفته شده است که دیدگاه خشونت‌طلبانه رهبران راست‌گرای سازمان‌های مهم یهودی، از جمله خود کمیته یهودیان آمریکا، در طول هشت ماه گذشته، تأثیر بیشتری در بین افکار عمومی یهودیان لیبرال‌تر داشته است.

با وجود اینکه تعداد یهودیان به نسبت جمعیت آمریکا تنها ۲ درصد است و تنها ۳ درصد از رأی‌دهندگان آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما یهودیان آمریکا بزرگ‌ترین اهداکنندگان پول در مبارزات انتخاباتی هستند، آنها ۲۵ درصد کمک‌دهندگان مالی به ستادهای انتخاباتی آمریکا و ۴۰ درصد کمک‌دهندگان مالی به کاندیداهای دمکرات به‌طور خاص هستند.

در این نظرسنجی، برخورد اوباما با مسئله هسته‌ای ایران با عدم اعتماد مواجه شده است. درحالی که در ماه مارس ۴۷ درصد رأی‌دهندگان عملکرد او را تأیید کرده بودند، طبق نظرسنجی که از اوایل سپتامبر تا اوایل اکتبر انجام شد، اکثریت آرای ۴۶ درصدی او را تأیید نمی‌کنند و برخلاف موفقیت او در جمع کردن حمایت‌های



بین‌المللی برای تحریم ایران، ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان می‌گویند که این راهکار، شانس ناچیز یا هیچ شانس برای متوقف کردن برنامه‌های ایران برای دستیابی به سلاح اتمی ندارد، ۶۸ درصد افراد در نظرسنجی هشت‌ماه پیش، چنین نظری داشتند.

در مورد سایر مباحث بین‌المللی، این نظرسنجی دریافته است که ترکیه، متحد ناتو، دوست آمریکا یا اسرائیل محسوب نمی‌شود این مسئله در آمارهای ارائه شده به‌صورت ۵۰ درصد و ۷۱ درصد ظاهر شده است و هیچ شکی وجود ندارد که این بازتاب واکنش یهودیان آمریکایی به وخیم شدن رابطه اسرائیل و ترکیه است که با شروع جنگ غزه در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ آغاز شده و با حمله مهلک اسرائیل به کشتی حامل کمک‌های انساندوستانه به غزه در ماه می ۲۰۱۰، بدتر شده است.



عنوان: نماینده آمریکا با نمایندگان کشورهای همسایه ایران، دیدار می‌کند^۱
 نویسنده: جی سولومان و مارک چپمن
 منبع: Wall Street Journal

این گزارش به بررسی سیاست‌های آمریکا برای تشدید تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی علیه ایران پرداخته و با تأکید بر فعالیت‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا به سیاست‌های آن برای همراه کردن همسایگان ایران در دور جدید تحریم‌ها اشاره کرده است. در ابتدای گزارش، نویسنده به سفر استوارت لوی - معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور مبارزه با تروریسم به‌عنوان مرد اصلی آمریکا در تحریم‌ها و فشار مالی بر ایران - به ترکیه و جمهوری آذربایجان که به‌منظور مؤثر کردن تلاش‌های آمریکا برای همراه‌سازی همسایگان ایران با آمریکا صورت گرفته اشاره کرده است. لوی در این سفر تأکید کرده که آمریکا به دنبال راه‌هایی است که تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را مؤثر و اجرایی کند و در این راستا به‌ویژه بخش خصوصی را تشویق نماید که تحریم‌ها را اجرا کنند. بر این اساس با توجه به اینکه ترکیه در ماه‌های اخیر به‌عنوان حلقه کمکی به ایران معرفی شده و در تلاش بین‌المللی برای فشار بر ایران، حضوری ندارد و این تلاش‌ها را بی اثر می‌کند، سفر این مقام ارشد آمریکایی صورت گرفته است. این مسئله از اهمیت بسیاری برای آمریکا برخوردار است، زیرا رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در ماه سپتامبر اعلام کرده بود که همکاری‌های مالی و تجاری میان ایران و ترکیه افزایش یافته و باز

1. J. Soloman and Mark Chapman, "Us Envoy to Discuss Sanctions With Iran", Neighbours", Wall Street Journal, 19 November, 2010.

۲. «وال استریت ژورنال» از نشریات معتبر آمریکایی است.



هم گسترش خواهد یافت. از سوی دیگر جمهوری آذربایجان هم که از منابع صادرات بنزین به ایران است، از اهمیت برخوردار بوده و لذا ممکن است با فشارهای بیشتری از سوی آمریکا همراه شود.

علاوه بر این، آمریکا ماه گذشته فهرستی از شرکت‌های چینی را به پکن داده که فشارهای مالی علیه ایران را نقض می‌کنند که شرکت‌های مهم انرژی چین در این فهرست بودند. فیلیپ کراولی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز تأکید کرده که آمریکا برخی از اطلاعات را به چین داده و نگرانی خود از فعالیت برخی شرکت‌های چینی را به پکن اطلاع داده است و از آنها خواسته است در مورد آن تحقیق کنند. در این شرایط براساس نظر کارشناسان تجاری، ایران با کمبود جدی ذخیره بنزین روبرو است و بر اثر فشارهای بین‌المللی در وضعیت خوبی قرار ندارد.

از سوی دیگر اگرچه ترکیه علیه قطعنامه تحریم ایران در شورای امنیت رأی داده و اعلام کرده است که فقط به تحریم‌های شورای امنیت عمل می‌کند و تحریم‌های بیشتر آمریکا و اتحادیه اروپا را اجرا نمی‌کند، اما این کشور نیز تحت فشار قرار گرفته است به گونه‌ای که وزیر تجارت خارجی ترکیه این ماه از اینکه بانک‌های ترکیه برای تجارت با ایران تحت فشار هستند انتقاد کرده و آن را «غیرقابل تحمل» خوانده است. مقامات رسمی ترکیه می‌گویند مخالفتی با آمریکا ندارند، ولی تحریم‌ها را راه حل مناسب نمی‌دانند و منافع ملی ترکیه در گرو رابطه مناسب و با ثبات با ایران است. این درحالی است که ایران تقریباً یک‌سوم نیازهای انرژی ترکیه را تأمین می‌کند و مابقی آن هم از روسیه تأمین می‌شود. از سوی دیگر ترکیه پیش‌تر هم از تحریم‌های که علیه عراق اعمال شده بود ناراضی بود و آن را به نفع اقتصاد خود نمی‌دید بر این

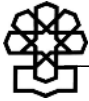


اساس ترکیه تأکید دارد که نمی‌خواهد این تجربه تکرار شود.

درواقع روابط تجاری ترکیه و ایران بیش از اینهاست. ایران حدود ۸۰ درصد گاز طبیعی صادراتی خود را به ترکیه صادر می‌کند که معادل ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ میلادی بوده است. با وجود این، فشارهای آمریکا هم مؤثر بوده است. چنانچه صادرات ترکیه به ایران ۳۲۵ میلیون دلار در ماه ژوئن بود - در همان ماهی که تحریم‌های شورای امنیت تصویب شد - اما این رقم در ماه گذشته به ۱۹۱ میلیون دلار رسیده است. در این زمینه بانکداران ترکیه در محافل خصوصی می‌گویند که آنهایی که با آمریکا معامله دارند، روابط خود با ایران را قطع کرده‌اند. اما تداوم معاملات به شکل حواله میان ایران و ترکیه، این خلأ را پر می‌کند. در همین حال به گزارش انجمن مواد اولیه پتروشیمی، محصولات پالایشی ترکیه هم گفته بودند که از ماه آگوست، صادرات به ایران را قطع می‌کنند که حاصل آن کاهش ۷۴ درصدی در صادرات بنزین ترکیه به ایران در ماه جولای بود.

آذربایجان هم یکی دیگر از همسایگان ایران است که روابط نسبتاً خوبی با ایران و ترکیه دارد. به گزارش آمار رسمی، حجم تبادل تجاری میان دو کشور در سال گذشته میلادی، حدود یک میلیارد دلار بود. مسئولان ایرانی در این اواخر، خواهان گسترش حجم روابط میان تهران و باکو تا حد ده برابر، شده‌اند، اما مقامات رسمی آذربایجان حاضر به واکنش نشده‌اند.

در این شرایط، دولت اوپاما فشارهای مالی را در هفته‌های گذشته افزایش داده و کمپین‌های مختلفی برای فشارهای مختلف به ایران به راه انداخته است. تحت قوانین تحریمی که در کنگره تصویب شده است، شرکت‌هایی که با ایران رابطه داشته باشند،



روابط خود با آمریکا را از دست می‌دهند و ۱۷ بانک ایرانی از جمله مؤسسات مالی سپاه، در فهرست سیاه قرار گرفته‌اند. طبق قانون جدید، هر شرکتی که بالای ۲۰ میلیون دلار در صنایع انرژی ایران سهم داشته باشد، هدف این اقدامات تنبیهی قرار می‌گیرد. مقامات رسمی آمریکا می‌گویند در سرتاسر اروپا و خاورمیانه و آسیا، روابط تجاری با ایران در حال قطع شدن است و حتی شرکت بزرگ اینپکس ژاپن هم از حوزه نفتی آزادگان خارج شده است. شرکت‌های انی و اسپا از ایتالیا، رویال داچ شل از هلند و دیگر شرکت‌های بزرگ نفتی هم سرمایه‌گذاری‌های خود در ایران را متوقف کرده‌اند. براین اساس، یک مقام رسمی آمریکا گفته است که تا به حال شاهد چنین افزایش فشار گسترده‌ای که در هفته‌های گذشته به اجرا گذاشته شده، نبوده است و از این نظر، فشار تحریم‌های اخیر بر ایران بی‌نظیر است.



عنوان: مناظره در مورد حمله به ایران^۱

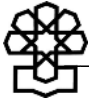
نویسنده: مارک لینچ

منبع: Foreign Policy^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی مذاکرات ایران با ۱+۵ اشاره کرده و سپس به مناظرات موجود در آمریکا در مورد گزینه اقدام نظامی علیه ایران پرداخته است. در ابتدای این گزارش نویسنده تأکید کرده است که امید است مذاکرات غرب با ایران مبنایی برای یک فرآیند دیپلماتیک دنباله‌دار شود که در آن طیفی از مسائل به بحث گذاشته شود و ترتیبات جایگزین پیشنهاد و اعتمادسازی شود. اما نشانه‌های بدی نیز در این زمینه وجود دارند چنانچه طبق گفته نیویورک تایمز، عدم پیشرفت مذاکرات غرب با ایران، تاکنون مباحثی در کاخ سفید مبنی بر اینکه آیا سخن گفتن هرچه بیشتر باراک اوباما درباره جنگ سازنده است یا خیر را به وجود آورده است. در واقع این نکته در راستای اظهارات چند روز پیش دنیس راس در آپیک مطرح شده است که تأکید کرده بود: «اگر ایران علیرغم انزوای روزافزون و لطمات اقتصادی فراوان، به بی‌اعتنایی و سرسختی خود ادامه دهد، رهبران آن باید به دقت به اوباما گوش دهند که بارها گفته است: ما مصممیم که ایران را از دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای باز داریم». نویسنده تأکید کرده که یک پاسخ آسان به این سؤال این است که این کار مطلقاً غیرسازنده و بسیار خطرناک است و باید از این بحث یا سخنان دست برداشت. از دیدگاه نویسنده این گزارش، ایده قراردادن جنگ بر روی میز احتمالاً به‌منظور

1. Marc Lynch, "Debating an Attack on Iran", Foreign Policy, November, 2010.

۲. «سیاست خارجی»، از مهمترین مجلات در حوزه امور بین‌الملل است.



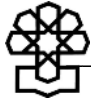
افزایش فشار بر ایران و به‌دست آوردن یک توافق است که البته احتمالاً نتیجه‌ای به‌بار نخواهد آورد. ایران کاملاً عاقلانه، مذاکره تحت فشار خطر حمله نظامی را رد می‌کند و پیشنهاد آمریکا ذیل چنین شرایطی را آشکارا ریاکارانه می‌داند. ایران خطر حمله نظامی را با توجه به مشکلات و محدودیت‌های آمریکا چندان محتمل نمی‌پندارد. صحبت از جنگ باقی مسائل را به حال تعلیق درمی‌آورد، اعتمادسازی را مطلقاً غیرممکن می‌کند و بیشتر از همه اختلافات را تشدید می‌کند. فراتر از این، صحبت از جنگ می‌تواند به‌طور جدی اتفاق نظر بر سر تحریم‌های ایران - که دولت به آن بسیار مفتخر است - را تضعیف کند، زیرا تعداد کمی از کشورهایی که به دلیل منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به تحریم‌ها پیوسته‌اند، تحمل یک حمله پیشگیرانه دیگر آمریکا در خاورمیانه را دارند.

البته اینها هنوز بدترین عواقب نیستند. مهمترین خطر صحبت گسترده دولت آمریکا از جنگ، پیش‌درآمدی است که این بحث‌ها برای گام برداشتن در قدم علیه ایران به‌وجود می‌آورد که فرآیندی برگشت‌ناپذیر است و راه را برای اجرای سناریوی شبیه عراق ۱۹۹۰ یا به جنگی واقعی هموار می‌کند. در واقع باید توجه داشت که هنگامی که گزینه نظامی بر روی میز قرار گرفت، دیگر هرگز کنار نمی‌رود. در این‌صورت، تنها راه نشان دادن شدت عمل و مصمم بودن در مواجهات آینده این است که به‌گونه‌ای پا را فراتر از تهدید نظامی بگذاریم - یعنی یا حمله هوایی و یا حمله موشکی صورت گیرد و این در نظر تمامی تحلیلگران جدی مسائل، یک فاجعه خواهد بود. اگر آمریکا آمادگی قدم برداشتن در راه عملی کردن تهدید نظامی را ندارد - و واقعاً نباید داشته باشد - آنگاه نباید تهدید کند. این کار هم باعث کاهش اعتبار است و



هم بهانه‌ای به دست جنگ‌طلبان می‌دهد که چنین اعمالی (نظامی) را به‌عنوان پایبندی به شعارها هر چه بیشتر طلب کنند که در هر دو صورت خطرناک است.

اگر واقعاً درون دولت آمریکا بحثی بر سر قرارداد صریح گزینه نظامی بر روی میز قرار دارد، امیدوارم هر چه زودتر و قاطع‌تر به پاسخ منفی برسد. کوبیدن بر طبل جنگ، به هیچ عنوان قدرت چانه‌زنی آمریکا در برابر ایران را افزایش نمی‌دهد، این کار اتفاق نظر بین‌المللی بر سر تحریم‌هایی که بر روی آن سخت کار شده است را تضعیف می‌کند، هرگونه چشم‌انداز برای یک فرآیند معنادار دیپلماتیک، که به شدت به آن نیاز است، را کور می‌کند و احتمالاً نشانگر قدم بعدی در یک فرآیند برگشت‌ناپذیر به سوی جنگی بی‌مورد و غیرسازنده است. این کار یکی دیگر از پیروزی‌های دردناک تاکتیک‌های کوتاه‌بینانه بر یک استراتژی واقع‌بینانه است. این تاکتیک ممکن است رضایتی آنی برای جنگ‌طلبان آمریکا دربر داشته باشد و لحظات تحسین برانگیز اما زودگذر را رقم بزند که به قیمت فدا شدن منافع استراتژیک واقعی آمریکا تمام شود.



عنوان: رابطه ایران و پیمان استارت جدید^۱
نویسنده: الیزابت وینگارتن
منبع: The Atlantic^۲

نویسنده با اشاره به پیمان استارت جدید که منتظر تصویب در سنای آمریکاست، می‌نویسد دامنه این معاهده، دامن سیاست خارجی واشنگتن را هم خواهد گرفت. در شرایطی که مجلس دومای روسیه یا مجلس سنای آمریکا این معاهده را به هر دلیلی رد کند، نخستین تبعات آن از سرگیری رابطه سیاسی حسنه میان مسکو و تهران خواهد بود. فاصله جمهوریخواهان با دمکرات‌ها در مجلس سنای آمریکا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کاهش یافته و این درحالی است که اواما برای تصویب معاهده استارت به رأی حداقل هشت نماینده جمهوریخواه نیز نیاز دارد. در فضای رقابت میان احزاب در آمریکا، جمهوریخواهان نسبت به تصویب معاهده استارت ابراز شک و تردید می‌کنند. بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند که تصویب معاهده استارت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و دلیل آن هم، همکاری میان مسکو و واشنگتن نیست، بلکه علت اصلی این است که با امضای این معاهده در حقیقت رابطه میان روسیه و ایران در مسیر تیرگی کامل قرار می‌گیرد. بسیاری از دمکرات‌ها جمهوریخواهان را به سوءاستفاده از به قدرت رسیدن در این مقطع زمانی متهم کرده و اصرار دارند که رابطه میان مسکو و واشنگتن که پس از چندین دوره خصومت اندکی آرامش را تجربه کرده است نباید دستخوش بازی‌های سیاسی داخلی شود. پس

1. Elizabeth Weingarten, "The Iran-START Connection", the Atlantic, 22 November, 2010.

۲. «آتلانتیک»، از پایگاه‌های معتبر تحلیل مسائل بین‌المللی است.



از مناقشه میان گرجستان و روسیه در سال ۲۰۰۸ میلادی، رابطه میان مسکو و آمریکا به بحرانی‌ترین روزهای خود از زمان جنگ سرد رسید. دولت باراک اوباما هم عزم خود را جزم کرد تا این رابطه را بهبود بخشد.

در این میان، معاهده استارت تبدیل به مهمترین بخش از این پازل بین‌المللی شد. بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که در حقیقت روسیه و آمریکا بر سر ایران معامله کرده‌اند. مسکو عدم همکاری‌های نظامی کامل با ایران را پذیرفت و واشنگتن هم وعده امضای پیمان استارت را داد. بهار گذشته هم روس‌ها در شورای امنیت سازمان ملل به تحریم‌های ایران رأی مثبت دادند. در ماه سپتامبر هم دمیتری مدودف از آمادگی خود برای عدم تحویل دادن موشک‌های S300 به تهران خبر داد و البته این اعلام آمادگی هم عملی شد - البته این قرارداد متوقف شده و به حالت انحلال کامل درنیامده است - در این فضا است که دمکرات‌های آمریکایی واهمه دارند، روس‌ها هر لحظه از تصمیم خود برگردند و معامله با ایران را از سر بگیرند. موشک‌های S300 در حقیقت جنبه دفاعی برای ایران داشتند و باعث نگرانی هم واشنگتن و هم تل‌آویو بودند. اسرائیل سودای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را در سر دارد و در شرایطی که تهران مجهز به موشک‌های S300 باشد امکان رهیابی موشک‌های تهاجمی دشمن برای ارتش ایران آسان‌تر خواهد بود و همچنین احتمال موفقیت در حمله به اهداف مشخص هم برای اسرائیلی‌ها دشوارتر خواهد شد. روسیه از زمان حضور باراک اوباما در قدرت، عزم خود را برای بهبود رابطه با آمریکا جزم کرده و در این میان هم از قربانی کردن ایران و دوستی و همسایگی با این کشور ابایی ندارد، البته همکاری روس‌ها با ایران در نیروگاه بوشهر همچنان به قوت خود باقی است و



این نشان می‌دهد که روس‌ها به هیچ وجه تمام توپ‌های خود را در زمین حریف قرار نمی‌دهند. در شرایطی که سنای آمریکا معاهده استارت را امضا نکند، روس‌ها به این باور می‌رسند که آمریکا در احیای رابطه با آنها جدی نیست و در نتیجه دست روسیه باز به سمت تهران دراز خواهد شد. بی‌شک فروش تسلیحات به ایران برای روس‌ها سودمند خواهد بود و البته برقراری رابطه با تهران هم بدین معناست که روسیه در قالب نوعی قدرت منطقه‌ای فرورفته است.

حتی در بهترین شرایط که روسیه به دلخواه آمریکا از فروش موشک‌های S300 به تهران هم کاملاً منصرف شود باز این کشور می‌تواند به شکل غیرمستقیم به موفقیت تهران در منطقه کمک کند. روسیه همچنان هم اندک تمایلی ندارد که ایران را در جامه کشوری دست یافته به تسلیحات هسته‌ای ببیند. در پانزده سال گذشته روسیه همواره در دو جبهه بازی کرده است: هم ایران را دوست خود در منطقه نگاه داشته و هم عزم خود را برای ممانعت از دستیابی این کشور به تسلیحات هسته‌ای جزم کرده است. البته در دو سال اخیر حضور فردی مانند اوباما در کاخ سفید، روس‌ها را به این نتیجه رسانده است که شاید منفعت در این برهه زمانی در دوستی با آمریکایی‌ها باشد. نویسنده معتقد است هرگونه سهل‌انگاری در به تصویب رساندن استارت در حقیقت نوعی خیانت به بازسازی رابطه‌ای است که هیلاری کلینتون در دیدار با همتای روس خود از آن سخن گفته بود.



عنوان: حقیقت‌گویی در مورد قدرت ایران^۱

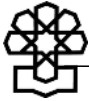
نویسنده: تاد لیدبرگ

منبع: Weekly Standard^۲

نویسنده در این گزارش به تحلیل سخنان لینزی گراهام، سناتور جمهوریخواه از ایالت کارولینای جنوبی، درقبال ایران اشاره می‌کند. وی می‌نویسد سناتور گراهام، که در کمیته‌های نیروهای مسلح و امنیت ملی سنا عضویت دارد، پیروزی جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره را برای رئیس‌جمهوری دمکرات آمریکا، خبر خوبی خوانده است، زیرا اگر او باما بخواهد در برابر برنامه هسته‌ای ایران گامی فراتر از تحریم‌ها بردارد، از حمایت گسترده جمهوریخواهان، برخوردار خواهد شد. سناتور گراهام که سرهنگ ذخیره نیروی هوایی آمریکا نیز هست، می‌گوید با توجه به درگیری ۹ سال اخیر این کشور در عراق و افغانستان، یک درگیری نظامی دیگر آخرین چیزی است که ایالات متحده، دنبال می‌کند. عضو کمیته‌های نیروهای مسلح و امنیت ملی سنا می‌افزاید آرزویش این است که تحریم‌ها نتیجه بدهد و دولت ایران را از تولید بمب هسته‌ای، منصرف کند. در عین حال، سناتور گراهام خاطر نشان می‌کند که اگر تحریم‌ها تا یک سال دیگر به نتیجه نرسد، جنگ آخرین گزینه در ایران، خواهد بود. براین اساس، اگرچه سیاست آمریکا همچنان به سمت اعمال تحریم علیه ایران گرایش دارد، اما گزینه اقدام نظامی نیز همچنان بر روی میز باقی مانده و در صورت ناکامی گزینه تحریم، پیگیری خواهد شد.

1. Tod Lindberg, "Speaking Truth to Mullah Power", the Weekly Standard, 22 November, 2010, Vol. 16, No. 10

۲. از نشریات وابسته به افراطیون نومحافظه‌کار آمریکایی است.



عنوان: منابع رفتار ایران^۱

نویسنده: کریم سجادپور

منبع: Foreign policy

نویسنده این مقاله با بررسی سیاست‌های داخلی و خارجی ایران، درصدد شبیه‌سازی تاریخی منابع رفتاری ایران با سایر کشورها برآمده تا از این طریق به ارزیابی رفتار آن بپردازد. نویسنده در ابتدا تأکید می‌کند که بعد از بررسی تحولات ایران و مصاحبه با صدها ایرانی از طیف‌های مختلف سیاسی و دنبال کردن نوشته‌ها و اظهارات مقامات ارشد ایرانی، توصیه من به دولت او باما در آغاز کارش در سال گذشته این بود که برای بهبود روابط با ایران، مثال‌های تاریخی موجود در روابط آمریکا با سایر کشورها را فراموش کند و درعوض تلاش کند تا از طریق مذاکره به پاسخ این سؤالات آسان، اما اساسی پی ببرد که چرا ایران این‌گونه رفتار می‌کند؟ آیا سیاست خارجی ایران ریشه در یک مخالفت ایدئولوژیک تغییر ناپذیر با آمریکا دارد، یا ایران فقط به سیاست‌های تنبیهی آمریکا واکنش نشان می‌دهد؟ به قول هنری کیسینجر، آیا ایران یک ملت است یا یک آرمان؟

نویسنده تأکید دارد که من همیشه گمان می‌کردم که جمهوری اسلامی ایران یک حکومت منحصر به فرد است، یک سیستم سیاسی که در دوران مدرن بی‌سابقه است. اما در ماه‌های اخیر، پاسخ‌های همراه با بدگمانی به او باما - که همزمان با تحولات بعد از انتخابات در ایران شد - من را به این فکر انداخت که شاید مقایسه‌های تاریخی، بتواند در تحلیل رفتار ایران به آمریکا کمک کند. اما کدام یک از مثال‌های تاریخی

1. Karim Sadjadpour, "The Sources of Iranian Conduct", Foreign Policy, November, 2010.

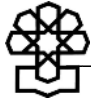


موجود با رفتار ایران هماهنگ است؟

برای طرفداران مقایسه ایران با چین - که غالباً سیاست خارجی را از منظر واقع‌گرایی مورد توجه قرار می‌دهند - حکومت ایران یک حکومت پراگماتیک و نه یک حکومت ایدئولوژیک بوده و مشتاق نزدیکی با آمریکا است. اگر ایران را از درون این منشور خوشبینانه نگاه کنیم، حمایت ایران از گروه‌های نظامی مثل حزب‌الله و حماس، اتحاد با رهبران رادیکالی مانند هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ونزوئلا، مقتدی صدر در عراق و بشار اسد در سوریه، انکار هولوکاست و فریاد «مرگ بر آمریکا» را می‌توان واکنش دفاعی ایران نسبت به فشارهای آمریکا تلقی کرد. چنین قیاسی این مطلب را می‌رساند که اگر آمریکا دست به اقدامی مشابه سفر معروف پرزیدنت نیکسون در سال ۱۹۷۲ به پکن بزند می‌تواند وارد «معامله بزرگ» با ایران شود.

بسیاری بر این عقیده هستند که آن وضعیت مناسب از لحاظ ژئوپلیتیک که نزدیک شدن نیکسون را به رهبر چین، مائو تسه تونگ، تقویت می‌کرد، یعنی نگرانی مشترک از تهدید شوم اتحاد جماهیر شوروی، در مورد وضعیت ایران امروز وجود ندارد، زیرا قیاس ماهیت ضد آمریکایی چین با ایران، عملاً محور هویت جمهوری اسلامی ایران و مقامات عالیرتبه آن را دستکم می‌گیرد.

بی‌اعتنایی رهبران ایران به آمریکا، که سه دهه است در قالب نوشته‌ها و سخنرانی‌هایی ارائه شده، به‌طور قابل ملاحظه‌ای ثابت است. به‌گونه‌ای که رهبران ایران موضوع بحث در مورد سیاست خارجی یا در مورد کشاورزی، تعلیم و تربیت و هرچه باشد را به توطئه شیطانی آمریکا که آن را «استکبار جهانی» می‌نامند، ربط می‌دهند. براین اساس، با وجود اینکه گزینه «معامله بزرگ» در دوران بوش توجه



زیادی را جلب کرد و آمریکا از آن اجتناب کرد یا همچنین پیشنهادهای بی‌سابقه و یک‌طرفه اوباما به ایران، شواهد نشان می‌دهد که این مسئله که تئورهای ایران با وجود مخالفت خوانی‌هایشان در خلوت مشتاق داشتن روابط صمیمانه با آمریکا هستند صحیح نیست.

اما اگر ایران، چین سال‌های ۱۹۷۰ میلادی نباشد - که کاملاً آماده برقراری روابط دوستی با آمریکا است - دیدگاه مخالف هم که می‌گوید ایران هم‌اکنون آلمان دوران نازی است نیز قیاس نزدیکی نیست. اگرچه نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، به مخاطبان خود در سال ۲۰۰۶ در لس‌آنجلس بی‌پرده گفت: «اکنون سال ۱۹۳۸ است و ایران هم آلمان آن زمان است. جمهوری اسلامی یک حکومت بنیادگرایی اصلاح‌ناپذیر، موعودگرا و به همین دلیل بی‌واهمه است» و به همین دلیل است که ادامه مذاکره با ایران به مثابه سیاست مماشاتی است که اروپا در قبال هیتلر داشت و لذا به‌کار گرفتن نیروی نظامی اجتناب‌ناپذیر است، اما شواهد کمی وجود دارد که حکومت ایران، توسعه‌طلب و طرفدار نسل‌کشی باشد. حتی وزارت دفاع آمریکا هم قدرت نظامی ایران را که با بودجه‌ای کمتر از ۲ درصد آمریکا اداره می‌شود، ذاتاً بازدارنده توصیف می‌کند. ازسوی دیگر با وجود اظهارات خصمانه احمدی‌نژاد، کنترل او بر ایران اصلاً قابل مقایسه با قدرت مطلق هیتلر در آلمان نیست.

پس، آیا ما باید همه این قیاس‌های تاریخی را باطل بدانیم؟ نه کاملاً. درواقع، تعداد کمی از تحلیل‌های معاصر، ذات جمهوری اسلامی ایران درحال حاضر را بهتر از شاهکاری که برای اولین بار در دانشگاه خواندم، یعنی مقاله تند و تیز جان‌اف کنان، دیپلمات آمریکایی، درباره اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۴۷

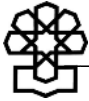


نوشته شده است با عنوان «منابع رفتار شوروی» درک کرده‌اند. این مقاله در فصلنامه امور خارجی با اسم مستعار «ایکس» منتشر شد، زیرا نویسنده مقاله در آن زمان، کارمند دولت بود مقاله مذکور آهنگ سیاست آمریکا در برابر شوروی را تنظیم کرد تا زمانی که در سال ۱۹۹۱ تحت فشار سوءمدیریت اقتصادی و انحطاط اخلاقی دچار فروپاشی شد.

مثل سایر مقایسه‌ها، این مقایسه هم کامل نیست. شوروی یک امپراتوری غیرمذهبی با سلاح هسته‌ای بود که به همه جای دنیا دسترسی داشت، درحالی که جمهوری اسلامی در آرزوی داشتن قدرت اتمی است که توانایی آن در خارج از خاورمیانه محدود است. اما رهبران فعلی ایران هم مشروعیت شان را در داخل از طریق مبارزه با آمریکا به دست می‌آورند.

براین اساس، مقاله کنان را بخوانید متوجه شباهت‌های آشکاری می‌شوید. در اینجا چند مثال قابل توجه از متن مقاله کنان آمده است که پیش بینی ایران امروز است. این مثال‌ها به ما ایده‌هایی از ایران می‌دهد که در طول تاریخ آزمون شده است. کنان از آمریکا نمی‌خواهد که از گفتگو با ایران پرهیز کند، بلکه می‌گوید توقعاتش را معتدل کند. در این روند، کنان هشدار می‌دهد که آمریکا باید «در همه زمان‌ها آرام و خوددار» باشد.

در این میان، اولین مسئله در شباهت منابع رفتاری ایران و شوروی در احساس محاصره به عنوان یک ذهنیت مسلم آنان است. بر این اساس «ایدئولوژی، تا آنجا که ما دیده‌ایم، به آنها آموخته است که جهان بیرون، دشمن است و وظیفه آنهاست که نیروهای سیاسی خارج از مرزهایشان را از بین ببرند. آتموقع است که دست پر قدرت



تاریخ روسیه / ایران و سنت‌ها بالا می‌رود تا این حس را در آنها تقویت کند. در نهایت، سیاست مقابله‌جویانه آنها درخصوص دنیای خارج، باعث شد تا واکنش‌های خود را داشته باشد... برای هرکس اثبات کردن خود در این تئوری که دنیا دشمن اوست، یک امتیاز انکارناپذیر است، چون که اگر این فرد به اندازه کافی این کار را تکرار کند و آن را زمینه رفتار خود کند، آخر و عاقبت چنین مسئله‌ای را خود باور خواهد کرد». از سوی دیگر، یک دشمن خارجی در کمین نشسته، برای تقویت مشروعیت این نظام‌ها در مقابل فشارهای داخلی نیز لازم است.

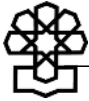
در این شرایط هرچند که ممکن است جمهوری اسلامی پیشنهاد تاکتیکی برای ایجاد تفاهم با غرب بدهد، اما دشمنی‌اش با غرب استراتژیک است. در واقع «این فرضیه در مسکو / تهران اجتناب‌ناپذیر است که هدف دنیای سرمایه‌داری غرب، دشمنی کردن با حکومت آنها و در نتیجه با منافع مردم تحت کنترل‌شان است. اگر دولت شوروی / ایران گاه‌آمدارکی را امضا می‌کند که خلاف این موضوع را نشان می‌دهد، باید آن را به عنوان یک مانور تاکتیکی تلقی کرد که برای مواجهه با دشمن است و باید آن را به عنوان هشدار به خریدار دید و در اصل دشمنی به قوت خود باقی است».

نویسنده معتقد است براساس این ویژگی‌های شوروی و ایران، آمریکا باید روی یک استراتژی بلندمدت متمرکز شود تا تاکتیک‌های کوتاه‌مدت، زیرا «دیپلماسی شوروی / ایران در مقایسه با دیپلماسی فردی رهبرانی چون ناپلئون و هیتلر، همزمان آسان‌تر و دشوارتر است. از یک سو در مقابل قدرت مقابل، حساس‌تر است و آمادگی بیشتری دارد که در بخش‌های خاص جبهه دیپلماسی، زمانی که فشار بیش از حد



است، کوتاه بیاید و به همین دلیل در منطق و زبان قدرت معقول برخورد می‌کند. ازسوی دیگر این دیپلماسی را نمی‌توان به آسانی شکست داد یا با یک پیروزی طرف مقابل ناامید کرد و با صبر مداوم که توسط سیاست‌های طولانی‌مدت هدفمند صورت بگیرد - نه با اقدامات پراکنده که معرف تمایلات زودگذر عقاید دمکراتیک است - می‌توان موفق شد، لذا سیاست‌هایی که در مقایسه با سیاست‌های شوروی / ایران صورت می‌گیرد نباید از نظر ثبات و تنوع و مستدل بودن، کمتر از آنها باشد.

ازسوی دیگر تحولات قدرت سیاسی در داخل شوروی / ایران نامعلوم است و نمی‌توان سیاست‌های خود را به امید آینده نظام‌های سیاسی آنان معطوف کرد. درواقع یک عدم قطعیت بزرگ در اطراف زندگی سیاسی در شوروی / جمهوری اسلامی دور می‌زند. این عدم قطعیت در انتقال قدرت از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگر است. به همین دلیل آینده قدرت در شوروی / ایران به هیچ صورت معین نیست. لذا مشخص است که آمریکا نمی‌تواند در آینده نزدیک به بهبود روابط سیاسی با شوروی / ایران برسد. آمریکا باید در فضای سیاسی به شوروی / ایران به عنوان رقیب بنگرد و نه شریک آن. بنابراین آمریکا همچنان باید این انتظار را از سیاست‌های شوروی / اسلام‌گرایان ایران داشته باشد که انعکاسی انتزاعی از عشق و صلح را مشاهده کند و هیچ اطمینانی به احتمال همزیستی دائمی و شاد سوسیالیست‌ها / اسلام‌گرایان با دنیای سرمایه‌داری - لیبرال وجود نداشته باشد و در عوض یک فشار دائمی و هوشیارانه برای ایجاد اخلال در یا تضعیف همه تأثیرات رقیب و قدرت آمریکا از سوی شوروی / ایران به‌کار گرفته می‌شود. ازسوی دیگر باید توجه داشت که سیاست آمریکا می‌تواند تغییرات سیاسی در ایران را تسریع کند، اما نمی‌تواند آن را مهندسی کند. اگر بگوییم که آمریکا بدون کمک و



به تنهایی می‌تواند در جنبش کمونیستی / اسلام‌گرایانه اعمال قدرت کند و باعث تغییر زود هنگام نظام در شوروی / جمهوری اسلامی بشود، اغراق کرده‌ایم. اما آمریکا این قدرت را دارد که فشار مہیبی به شوروی / ایران وارد کند تا آنها را وادار کند که چه سیاستی در پیش بگیرند و به چنین درجه‌ای از اعتدال و احتیاط برسند که ما در این سال‌ها شاهد آن بودیم. بنابراین آمریکا از این طریق می‌تواند تمایلی را ایجاد کند که به تدریج روزنه‌ای به سوی تغییر نظام یا نرم شدن تدریجی شوروی / ایران باز کند.



عنوان: پیشنهاد مناسب هند درباره ایران^۱

نویسنده: استفان کینزر

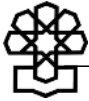
منبع: Pakistan Defence^۲

نویسنده به بررسی سفر اوباما به هند می‌پردازد و می‌نویسد هند و آمریکا - علیرغم بسیاری حوزه‌های مشترک - در برخی موارد دارای اختلافاتی نیز با هم هستند. در بعضی زمینه‌ها هند متمایل به تغییر رویکرد آمریکاست. یکی از تفاوت‌های اساسی بر سر مسئله ایران است که هند سیاستی هوشمندانه‌تر دارد. برخلاف برخی تغییرات در فضای دیپلماسی، رویکرد اوباما به ایران به شکل قابل توجهی مشابه رفتار جورج بوش در دوره دوم ریاست‌جمهوری است که در آن حمله نکردن به ایران، اما همواره تهدید کردن به اینکه تمامی گزینه‌ها روی میز است مطرح می‌شد. لذا تشدید مداوم تحریم‌ها درحالی که شواهد گسترده‌ای وجود دارد که این اقدام، جامعه مدنی ایران را تضعیف خواهد کرد، اصرار بر سر ادامه مذاکرات هسته‌ای و رویگردانی از گسترده کردن دامنه مذاکرات تا جایی که نگرانی‌های ایران را نیز دربرگیرد انجام می‌شود.

هند، نظیر دیگر قدرت‌های منطقه‌ای، تهدید ایران را بسیار کمتر از آمریکا جدی تلقی می‌کند. هند ایران را تهدیدی اساسی برای هیچ کشوری نمی‌داند، بلکه بیشتر آن را کشوری با منابع سرشار می‌داند و مایل است که ایران را متقاعد کند که به مسیر اصلی جامعه جهانی باز گردد. هند مایل است که آمریکا دیپلماسی بازتری را در مقابل ایران به اجرا بگذارد و حتی می‌تواند نقش واسطه را در عملی شدن این دیپلماسی بر

1. Stephen Kinzer, "India's Sound Advice on Iran", Pakistan Defence, 13 November, 2010.

۲. از پایگاه‌های بررسی مسائل استراتژیک و نظامی منطقه آسیاست



عهده بگیرد. ترکیه نیز به‌عنوان یکی دیگر از همسایگان ایران، هم‌اکنون به این رویکرد متوسل شده است. رهبران ترکیه به اصرار از آمریکا می‌خواهند که ادبیات ضدایرانی خود را تعدیل کند، به دنبال توافق باشد و نه رویارویی از این طریق و با در نظر گرفتن نگرانی‌های ایران، راهی برای کاهش انزوای آن بیابد. اما اگرچه دولت اوباما این رویکرد را نپذیرفته است. اما این بار نوبت هند است که بخت خود را بیازماید. تمایلی طبیعی وجود دارد که ایران و هند را از نظر منطقه‌ای دو کشور جدا بدانیم. ایران در منطقه بحران‌زده خاورمیانه گرفتار است، درحالی که هند بر جنوب آسیا حکمرانی می‌کند. این یک اشتباه است. در واقع ایران و هند برای یک دوره هزارساله، همسایه بوده‌اند و دو فرهنگ بسیار غنی جهان را پروراندند. ظهور پاکستان در سال ۱۹۷۴ به این معنی بود که ایران و هند دیگر همسایه‌های واقعی نیستند، اما تاریخ مشترک این دو کشور آنقدر غنی است که آنها به اندازه دو همسایه واقعی احساس نزدیکی می‌کنند.

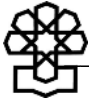
هند از ایران، نفت و گاز وارد می‌کند و درحال یافتن راهی برای ساخت یک خط لوله گاز طبیعی است که دو کشور را به هم متصل می‌کند، پروژه‌ای که آمریکا با آن مخالف است. کمپانی‌های هندی درحال مذاکره برای عقد قراردادهای چند میلیارد دلاری اکتشاف نفت در آب‌های ایران هستند. در ماه فوریه وزیر خارجه هند، طی یک سفر دو روزه از ایران بازدید کرد. ماه قبل نیز وی در آمریکا اعلام کرده بود که کشورش مخالف تحریم‌هایی بر علیه ایران است که: «برای مردان و زنان و کودکان عادی مشکل‌آفرین است و کمکی به حل مشکل نخواهد کرد».

درحالی که افزایش تنش‌ها میان ایران و آمریکا به ضرر هند است، کاهش تنش‌ها



باعث ثبات هر چه بیشتر خاورمیانه و جنوب آسیاست. کاهش تنش‌ها زنگ‌های خطر را خصوصاً در اسرائیل به صدا در خواهد آورد، زیرا از نظر اسرائیل، بهبود روابط ایران و آمریکا به‌طور غریزی وحشت‌آفرین است. اما ایران امکان ارائه کمک‌های استراتژیک فراوانی به آمریکا دارد که اولین آنها کمک برای ایجاد ثبات در عراق و افغانستان است این اتحاد کاملاً معنادار است.

شماری از هندی‌ها از کشورشان می‌خواهند که آمریکا را برای تغییر موضع در مورد ایران تحت فشار قرار دهد. آمریکا اکنون دو متحد خوب - یعنی ترکیه و هند - دارد که به ایران نزدیک‌اند و خواهان مناسبات هر چه بهتر ایران و آمریکا هستند. ترکیه در قانع کردن دولت اوباما به تغییر دیپلماسی در برابر ایران ناموفق بوده است. حالا که اوباما مناسبات هند و آمریکا را «مشارکت تعیین‌کننده قرن بیست‌ویکم» عنوان کرده است شاید اراده بیشتری برای دنبال کردن پیشنهاد هند داشته باشد.



عنوان: شمشیر دولبه ایران^۱

نویسنده: مایکل سینگ

منبع: The Washington Institute for Near East Policy^۲

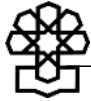
نویسنده در این گزارش با اشاره به کشف مقادیری از سلاح و مهمات در یک کشتی در نیجریه، با رویکردی جانبدارانه به بررسی ابعادی از سیاست ایران در خارج از کشور پرداخته و تلاش کرده است تا با برشمردن برخی از موارد کشف محموله‌های سلاح‌هایی که به ایران نسبت داده شده‌اند، سیاست ایران را به شمشیر دولبه‌ای تشبیه کند که آگاهانه و واقع‌بینانه به این اقدام پرداخته است. در ابتدای گزارش، نویسنده به سفر وزیر امور خارجه ایران به چند کشور آفریقایی در نوامبر سال جاری اشاره کرده که در آن بر قدرت منطق ایران در برابر حرص آمریکا برای قدرت و تلاش ایران برای گسترش روابط با آفریقا و صدور تکنولوژی و خدمات مهندسی به این قاره تأکید شده بود، اما دو هفته بعد، وزیر خارجه ایران به‌منظور تنش‌زدایی با نیجریه به دلیل کشف مقادیری سلاح از یک کشتی منتسب به ایران، به آفریقا سفر کرد. از دیدگاه نویسنده، این تعارض به‌وجود آمده میان سیاست اعلامی و اعمالی ایران، از یک‌سو از تمایل آن برای گسترش روابط دیپلماتیک و تعاملات اقتصادی با کشورهای منطقه به‌منظور مقابله با انزوای ایران نشئت می‌گیرد و از سوی دیگر حمایت ایران از انتقال تسلیحات به منطقه، ناشی از سیاست خارجی نظام ایران برای ایجاد و تقویت

1. Michael Singh, "Iran's Double-Edged Sword", The Washington Institute for Near East Policy, 18 November, 2010.

۲. «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، از مراکز پژوهشی مهم در آمریکاست که رویکرد حمایتی از سیاست‌های اسرائیل را در خاورمیانه دارد.



دوستان و متحدان نیابتی در خارجی از مرزهای آن و همچنین فراقکنی مشکلات ناشی از برنامه هسته‌ای آن است. نویسنده در ادامه گزارش به برخی از موارد کشف محموله‌های قاچاق اسلحه - مانند کاروانی که توسط نیروهای اسرائیلی در سودان در سال ۲۰۰۹ بمباران شد و یا آنچه در جنوب ترکیه در سال ۲۰۰۷ کشف شد - اشاره کرده و آنها را به ایران منتسب کرده و تأکید کرده است که سپاه قدس، مسئول ارسال این تجهیزات به‌ویژه برای حزب‌الله لبنان، فلسطین، افغانستان و عراق بوده و به آموزش گروه‌های شبه‌نظامی نیز مبادرت ورزیده است. نویسنده در ادامه با اشاره به نظر مقامات آمریکایی، اشاره کرده که حمایت ایران از جنبش‌ها و نهضت‌های شبه‌نظامی سبب شده است که نیروهای نیابتی ایران و به‌ویژه حزب‌الله به فعالیت‌هایی در آفریقا، آمریکای لاتین و سایر مناطق بپردازند. براین اساس، از دیدگاه نویسنده، این مسئله به یک سیاست ایران تبدیل شده که با حمایت از برخی جریان‌های شبه‌نظامی، نفوذ و قدرت خود در منطقه را افزایش دهد. در این شرایط، در پرتو برنامه هسته‌ای ایران، اگرچه کشورهای غربی با تشدید تحریم‌ها و فشارها بر ایران، درصدد وادار ساختن آن به مذاکره با غرب هستند، اما سیاست حمایت تسلیحاتی ایران از جنبش‌ها و جریان‌های شبه‌نظامی به‌صورت آگاهانه و واقع‌بینانه تنها به‌منظور کاهش فشار مشکلات خارجی آن صورت می‌گیرد.



عنوان: ایران، عراق و تغییر چهره همکاری‌های دفاعی در خلیج فارس^۱
نویسنده: آنتونی کوردزمن

منبع: Center for Strategic & International Studies^۲

نویسنده در این مقاله با بررسی تحولات مهم منطقه خلیج فارس و به‌ویژه پیشرفت‌های توان نظامی و موشکی ایران و همچنین تغییر موازنه قدرت در منطقه پس از حمله آمریکا به عراق و نابودی توان نظامی این کشور در سال ۲۰۰۳، بر تغییر سریع محیط تهدید در خلیج فارس تأکید کرده و معتقد است ضرورت شکل‌گیری یک همکاری دفاعی میان کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس و آمریکا تقویت شده است. در واقع از دیدگاه نویسنده، موازنه قدرت در منطقه به‌دلیل افزایش توان دفاع نامتقارن، موشکی و قدرت بالقوه هسته‌ای آن افزایش یافته و در غیاب عراق به‌عنوان یک قدرت متوازن بخش منطقه‌ای، شرایط امنیتی جدیدی در خلیج فارس حاکم شده است. در این وضعیت، هنوز ایران ضعف‌هایی جدی به‌عنوان یک قدرت برتر نظامی دارد و کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌توانند از طریق همکاری نظامی با یکدیگر در قالب شورای همکاری خلیج فارس و همچنین با عراق، آمریکا، انگلیس و فرانسه به تقویت جایگاه خود در قبال ایران بپردازند. از سوی دیگر تقویت قدرت ایران تنها عامل مهم برای گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیست، بلکه عوامل دیگری مانند گسترش افراط‌گرایی و تروریسم نیز ضرورت تقویت تعاملات میان آنان را افزایش داده است. چنانچه در این زمینه

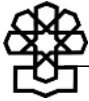
1. Anthony Cordesman, "Iran, Iraq and The Changing Face of Defense Cooperation in the Gulf", Center for Strategic and International Studies, November, 2010.

۲. «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» یکی از مراکز مهم در حوزه سیاست بین‌الملل است.



آنان با بی‌ثباتی در کشورهای منطقه مانند یمن نیز مواجه هستند. بنابراین با توجه به تهدیدات نوظهور در منطقه، ضرورت تقویت تعاملات میان کشورهای منطقه، گسترش فعالیت‌های مشترک امنیتی - اطلاعاتی آموزشی، برنامه‌ریزی و کنترل و فرماندهی آنان کاملاً آشکار شده است تا از این طریق با افزایش توان عملیات و قدرت انطباق با شرایط جدید، به کاهش زمان واکنش به تهدیدات احتمالی کمک شود.

در این شرایط نویسنده معتقد است که فروش تسلیحات نظامی توسط آمریکا به کشورهای حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا می‌تواند نقش مهمی در ایجاد توازن امنیتی در منطقه داشته باشد. در واقع، آمریکا باید با تأمین تکنولوژی و سلاح‌های مورد نیاز این کشورها توانایی آنان در بازدارندگی و دفاع را افزایش دهد. در این میان اگرچه براساس این منطق استراتژیک است که فروش گسترده سلاح توسط آمریکا به کشور عربستان و فروش هواپیمای F16 به امارات و همچنین فروش سلاح‌های پیشرفته به مصر، اسرائیل، اردن و دیگر کشورهای منطقه توسط آمریکا صورت گرفته است اما این سیاست همچنان باید تا ایجاد ثبات بیشتر در منطقه تداوم یابد. از سوی دیگر تصمیم آمریکا و عراق برای همکاری‌های استراتژیک نیز نقش مهمی در امنیت و ثبات خلیج فارس دارد با وجود این، مشکلات امنیتی در داخل عراق مانند افراط‌گرایی و خشونت مانع مهمی در تقویت نقش عراق برای ایجاد ثبات در منطقه است. نویسنده در ادامه بررسی برخی از مشکلات داخلی عراق مانند اختلاف نظرات موجود میان نخبگان این کشور را به‌عنوان موانع همکاری استراتژیک آمریکا با عراق برشمرد و تأکید کرده است که در صورت ناکامی آمریکا در ایجاد ثبات و امنیت در عراق، بر نقش ایران در این کشور و در منطقه افزوده خواهد شد و خلأ



قدرت موجود، به سود ایران و برخلاف اهداف کشورهای دوست آمریکا در منطقه پر خواهد شد. نویسنده در پایان گزارش معتقد است که مجموعه این شرایط جدید در منطقه، سبب شده است که نیاز به بازتعریف وضعیت امنیت در منطقه کاملاً احساس شود. در این وضعیت، آمریکا باید به متحدان خود در مورد تداوم حضور خود اطمینان داده و خود را به‌عنوان شریک مطمئنی برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه نشان دهد. علاوه بر این، اگرچه آمریکا در جنگ عراق به‌لحاظ استراتژیک به هیچ عنوان برنده نشده است، اما باید اقدام مهم اوباما و کنگره مبنی بر بازسازی توان دفاع ملی عراق برای مهار و بازدارندگی ایران، تداوم یابد، زیرا در پرتو این حمایت آمریکا از عراق است که امکان تضمین ثبات و امنیت در این کشور و در منطقه به‌وجود خواهد آمد و بهبود اوضاع اقتصادی آن و توسعه صادرات نیز به بهبود شرایط امنیتی منطقه کمک خواهد کرد. در این میان، مسئله‌ای که حتی مهمتر از میزان موفقیت دولت اوباما در تحقق ثبات و امنیت در منطقه است، رهیافت واقع‌گرایانه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای تقویت همکاری‌های دفاعی و تمایل دولت عراق برای شراکت استراتژیک با آمریکا و ایجاد توانمندی‌های دفاعی منطقه می‌باشد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۵۷۶

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۸)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱۰/۱۲